



● دکتر محمد جعفری هرندي، استاد دانشگاه
حجه‌الاسلام دکتر علی محمدی، استاد دانشگاه
دکتر قاسم پورحسن، استاد دانشگاه
کارشناس مجری: امیر دبیری مهر

کوتاه مستتر است، باید مطالعه شده و برآورد شده باشد تا همواره مطالبی مطرح شود که مورد نیاز جامعه بوده و باعث انگیزش در جامعه می‌شود.
نکته مهم و اقتضای رهبری جامعه این است که مطالبی عمیق و مهم و فراگیر که ضروری جامعه است در پیام کوتاه و ساده

مجری: بر اساس چه نیازها و مقتضیاتی سال ۱۳۸۷ به نام «سال نوآوری و شکوفایی» نامیده شده است؟
دکتر هرندي: معمولاً سال‌هایی که اینچنین نامگذاری می‌شود از طرف علاقه‌مندان مطالبی ابراز می‌گردد که شاید جنبه شعاری داشته باشد. این نامگذاری‌ها پیامی دارد و مطالبی در این نام‌های

برای مردم مطرح می‌کنند. گاهی اوقات فرمایش بزرگان و مقام معظم رهبری مطلب ساده‌ای است، بنابراین محتوا باید مهم باشد و از طرف دیگر فرهیختگان باید جهات مختلف آن را عنوان کنند. شاید بتوان با توجه به این نامگذاری که گفتند «سال نوآوری و شکوفایی» به این جهت می‌باشد که ما در آغاز سی‌امین سال از انقلاب اسلامی هستیم و طبیعی است که دو عامل در این دوره ۳۰ ساله مهم بوده است:

الف: تحولاتی که صورت گرفته به خاطر اینکه مردم به حقوق خودشان توجه کرده‌اند.

ب: چیزهایی که جامعه مطرح می‌کند و به آن نرسیده است. شاید معنی این نامگذاری این باشد که کسانی که متصدی کارها هستند حداقل نیازهایی که مردم مطرح می‌کنند و انتظار دارند را تحقق بخشند، البته این امر نیاز به اقداماتی دارد. به یاد داشته باشیم که ما یک سند چشم‌انداز داریم که برای ۲۰ سال تنظیم شده است و طبیعی است که ما می‌خواهیم به آنجا برسیم. بنابراین

ذات اقدس الهی است و این نوآوری‌ها، شکوفایی‌هایی است که لحظه به لحظه در نظام هستی حاصل می‌شود.

قرآن در این رابطه نکته‌ای را تذکر می‌دهد. خداوند عالم می‌گوید آنچه در نظام عالم نو به نو ایجاد می‌کنیم، اینجا نشانه‌هایی است برای اینکه بشر ایمانش لحظه به لحظه تازه بشود. در آیه ۱۱۳ سوره طه (و کذلک انزلناه قرآناً عربیاً و صرفنا فیه من الوعید لعلهم یتقون او یحدث لهم ذکراً) ایمان باید لحظه به لحظه تجدید شود و تمام آیات الهی برای این است که اگر محو شود آیه‌ای جای آن می‌آید و حادثه‌ای در طبیعت ایجاد می‌شود. لذا خداوند از کسانی که نوآوری‌ها را در نظام هستی نمی‌بینند، انتقاد می‌کند. سوره شعرا آیه ۵۰ (ان کنا اول المؤمنین) می‌گوید که خیلی‌ها این نوآوری‌ها را در نظام هستی نمی‌بینند. ذات اقدس الهی در قرآن هم ما را به توجه به این نوآوری‌ها فرا خوانده تا مجرای برای نوآوری در نظام اجتماعی و فردی خودمان شویم.



ما یک سند چشم‌انداز داریم که برای ۲۰ سال تنظیم شده است و طبیعی است که ما می‌خواهیم به آنجا برسیم. بنابراین هر سالی می‌تواند سال نوآوری و شکوفایی باشد، منتهی امسال باید آغازی برای طرح خواسته‌هایی باشد که انتظار مردم است. این انتظارها را مردم باید از جامعه داشته باشند که جامعه متشکل از مردم است.

هر سالی می‌تواند سال نوآوری و شکوفایی باشد منتهی امسال باید آغازی برای طرح خواسته‌هایی باشد که انتظار مردم است. این انتظارها را مردم باید از جامعه داشته باشند که جامعه متشکل از مردم است.

دکتر محمدی: اساساً نظام هستی نظامی است که براساس نوآوری شکل می‌گیرد و خداوند در قرآن کریم با عنوان «بدیع السموات والارض» معرفی می‌شود. نظام هستی در اندیشه صدرایی هم در معنای حدوث آن قاناً فکاناً ایجاد می‌شود و تداوم از افاضه لحظه به لحظه و نو به نو ذات اقدس الهی چیزی را کم کند مثل این نور مهتابی که لحظه به لحظه از منبع نور پر می‌شود و در هر حالی ما آن را به طور مداوم ملاحظه می‌کنیم. اگر کسی بخواهد این افاضات الهی را دریافت کند، او هم باید تجلی بدیع السموات والارض باشد. پس نوآوری در نظام هستی است که او را تداوم داده و اگر بخواهیم در مسیر جریان هستی هماهنگ باشیم، باید نوآوری داشته باشیم. تمام هستی یک جلوه

گاهی تناسب‌ها این نامگذاری‌ها را ایجاد کرده است، مثلاً اگر سالی اول و آخرش به نحوی به رسول گرامی اسلام منتسب شده، یعنی شهادت یا ولادت او در اول و آخر سال بوده است و گاهی بر اساس نیازهاست یعنی جامعه ما در سیر تکاملی خودش در مراحل پیروزی انقلاب اسلامی نیازی را بر اساس فرهنگی و یا فردگیری‌های تکاملی احساس می‌کند. مثلاً در سالی که آمریکا به منطقه آمده و کشورهایی چون افغانستان و عراق را اشغال کرد شعار «وحدت ملی و انسجام اسلامی» مطرح شد. بعد از پیروزی انقلاب و با توجه به توسعه و تحسینات تکمیلی می‌بینیم که کشور ما آماده خیزش در این عرصه است. مقام معظم رهبری در دیدارهای خودشان در سال‌های گذشته جامعه ما را به این سمت و سو فرا خواندند و امروز زمینه‌ای فراهم شده و نشانه این مسئله در کنفرانس اخیر اختراعات مطرح بود که ایران در میان کشورهای شرکت‌کننده نفر اول شد و بیش از ۲۰ مدال طلا کسب کرد. این نشان می‌دهد که کشور ما با توجه

به آزادی اندیشه و فکر و به قول شهید مطهری در اسلام هیچ حد و مرزی برای آزادی فکر نیست. گرچه به قول علامه طباطبایی خداوند می‌فرماید: لا اکراه فی الدین، اما دلیل بر این نیست که در تشریح هم به این اجازه دهد. مرتبه نوآوری و شکوفایی مرتبه پس از آن است که جامعه به تولید اندیشه دست زد. نکته سوم، نگاه انتقادی است. در تمدن اسلامی از زمانی که نقد و انتقاد ما فروکش کرد، انحطاط به تدریج شکل گرفت. بررسی این وضعیت انتقاد علنی را می‌طلبد. این علوم، بنیاد نگاه انتقادی در جامعه هستند. پاسخ متفکران اسلامی از علامه نائینی تا اقبال لاهوری تا شهید مطهری درست است که تا به خودآگاهی نرسیم، نمی‌توانیم مطرح کنیم که تمدن اسلامی در حال شکوفایی مجدد است و تا زمانی که به خودمان رضایت دهیم و بگوییم که دنیا چیزی ندارد و هرچه دارد از همان گرفته بود و ما نیازی به آن نداریم، این بیماری است.

به این زمینه‌ها آماده خیزش است و این نامگذاری باعث می‌شود که این روند تثبیت شود و اگر ما نیاز به بنیان‌گذاری پایه‌هایی برای این خیزش و جهت‌دهی و ساماندهی حرکت‌های ابتدایی و متفرقه داریم، مقام معظم رهبری امسال این را از مسئولان جامعه و مردم و فرهیختگان ... خواستند تا به شکوفایی برسند.

دکتر پورحسن: این امر استراتژیک و بنیادی است. وقتی این واژه‌ها را به کار می‌بریم، خلطی بین علوم در جامعه ما [خواه ناخواه] اتفاق می‌افتد کمتر کسی حرف می‌زند که آیا این نوآوری و شکوفایی را کسی از علوم انسانی انتظار دارد و تصور می‌شود که این اتفاق باید در علوم تجربی رخ بدهد که ما در ایران در میان کشورها جایگاهی داشته باشیم. اما من تصور می‌کنم که در آلمان سده ۱۹-۲۰ وقتی هگل می‌خواهد پدیده‌شناسی را بنویسد، می‌گوید چرا همه از ما جلوترند و چرا ما الان اینجا هستیم. سرمایه‌گذاری کلان دنیا علاوه بر وجه هنری، در حوزه ادبیات

مردم‌سالاری دینی در ایران
برگرفته از فقه و اندیشه‌های
سیاسی دینی است و کسانی-
که سابقه ایران را بدانند عزم
جدی بر مردم‌سالاری دینی
به‌عنوان یکی از بنیان‌های
دست‌یافتن به جایگاه
اندیشه‌ای و فکری دارد.



دکتر محمدی: ما آمادگی در این حوزه را پیدا کرده‌ایم و این رسالت را در گذشته ایران به‌دوش کشیده است. ایرانیان از دیرباز در تمدن اسلامی نقش پیشرو داشتند و این نقش در فواصلی به دلایلی فروکش کرده است. مقام معظم رهبری که سال را به‌نام «نوآوری و شکوفایی» نامگذاری می‌کنند علت این است که هم مسئولیت‌های ما را در این زمینه گوشزد کنند و هم اینکه اگر ما در این کشور دارای استقلال هستیم و مردم نهضتی کردند، حاکمیت با انتخاب خود آنهاست و آموزه‌های دینی در عرصه اجتماعی ظهور و بروز کرده است. اگر ما حرکتی را آغاز کنیم، دامنه و گستره آن تمدن اسلامی را هم فرا خواهد گرفت و آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد به کشورهای دیگر و اندیشمندان مسلمان می‌رسد و این خود به خود نوآوری‌های دیگری را در عرصه‌های دیگر شکل خواهد داد. علامه طباطبایی درباره تفسیر قرآن می‌گوید که هر ده سال لازم است یک تفسیر جدید نوشته شود.

است. نکته دیگر اینکه ایران چنین فرض‌ها را مسلم می‌گیرد که در ۳۰ سال گذشته ما به حدی از جنبش فکری و تولید اندیشه دست پیدا کرده‌ایم. هر کشوری اگر بخواهد رنسانس فکری و تمدنی داشته باشد اولین زمینه‌اش این است که به تولید فکر بیندیشد و سپس به نوآوری در فکر برسد. در جامعه ما از زمانی - که جنبش نرم‌افزاری تا به حال انجام گرفته، اهتمام جدی صورت گرفته است.

مردم‌سالاری دینی در ایران برگرفته از فقه و اندیشه‌های سیاسی دینی است و کسانی که سابقه ایران را بدانند عزم جدی بر مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از بنیان‌های دست‌یافتن به جایگاه اندیشه‌ای و فکری دارد. ما در مرحله‌ای قرار گرفته‌ایم که به ناچار علاوه بر تولید، باید وجه‌های نو از اندیشه را عرضه کنیم. فرمایشات رهبری ناظر بر این است که ما اهتمام پیدا کردیم

معنای این حرف این است که اگر ما در کشور این کار را شروع کردیم، این اندیشه به نقد و بررسی می‌رسد و خودبه‌خود این رشد و بالندگی در حوزه دانش بشری حتی در عرصه‌های اجرایی و خدماتی ارائه می‌شود.

دکتر هرندی: درباره نسبت بین نوآوری در حوزه فکری و فراز و فرودهای تمدنی بخشی از قصیده‌ای از ادیب‌الممالک فراهانی را که درباره تمدن ماست یادآوری می‌کنیم که می‌گوید: از کشور قسطنطنین یک راه بپوئید

و از طاق ایاصوفیه آثار بجوئید
با مترک و متران به قصبص بگوئید
کر از نامه انجلی و اوراق بشوئید
مائیم که از پادشهان باج گرفتیم

زان پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم
ما هنوز در دوره افول هستیم. انقلاب اسلامی زنگی بوده که ما را متوجه کند، یعنی زنگی بوده که از صدای سید جمال دوره مشروطه بیشتر بوده، و دلیلش این است که مردم متوجه شدند چه مشکلاتی دارند و چه باید بکنند. من معتقدم ما تمدنی داشتیم که ایرانی‌های مسلمان در آن نقش داشتند. ما تمدن اسلامی را با صبقه و رنگ اسلامی عرضه می‌کنیم و دنیا هم این تمدن را به‌نام تمدن اسلامی می‌شناسد. آنها آنقدر تنگ‌نظر نبودند که تمدن اسلامی را برای خودشان بخواهند و آنقدر هم تنگ‌نظر نبودند که آن را از دیگران اقتباس بکنند.

ما درباره نوآوری در علم و فن علوم انسانی به خصوص فقه بحث می‌کنیم و خود امام هم به فقه پویا یعنی حقوق، اداره جامعه، روابط مردم جامعه و... اشاره دارد. دیگر حوزه‌ها مثل علم، فن، سیاست، جامعه، حقوق و... چطور؟ اول باید به گذشته توجه کنیم و سپس تحولات و روش‌ها را مطرح نماییم. مسئله دیگر این‌که چه کسانی این کارها را انجام دهند؟

معمولاً این در جامعه سنت شده است کسی که خود باید کاری را حل کند از دیگران انتقاد می‌کند. من که خودم متصدی فقه هستم باید در این زمینه پژوهش کنم و فقط به کلیات نپردازم. پس دولت، فرهیختگان و مردم نقش دارند. مورد دیگر توانایی‌های خودمان است که ما دو نوع توانایی داریم: توانایی بومی و آن توانایی که باید فرض کنیم. ما باید از انتقاد از خودمان ناتوانی‌هایمان را مطرح کنیم.

دکتر محمدی: در رسالت رسول خدا هم اولین نوآوری در نگرش است. قرآن هم به ما می‌گوید تا نگاه ما به جهان هستی و خودمان عوض نشود، نمی‌توانیم نوآوری داشته باشیم. قرآن اولین کاری که کرد این بود که نگرش انسان را نسبت به نظام هستی عوض کرد. این چیزی که در عالم می‌بینید فقط ظاهر نیست، در پی این ظاهر، باطنی هم هست. در این حوزه قرآن آیات بسیاری دارد. هنوز هم رسوبات نگرش‌های شرک‌آلود در ذهن جامعه ما وجود دارد و نوآوری در این عرصه بسیار لازم است.

دکتر پورحسن: دو پرسش مطرح است:

- با چه ابزارهایی به نوآوری دست پیدا کنیم؟
- چگونه و با چه کیفیتی آنها را در موضوع پیش‌نیازهای نوآوری سامان دهیم.

دکتر محمدی: از عرصه‌های دیگر نوآوری این است که ما برای آن نیاز به بیان جدید و مخاطبان جدید داریم که با فرهنگ‌های متنوع آشنا هستند. ما در تعبیر به تدبیر و استنباط جدید نیاز داریم.

دکتر هرندی: نگرش باید ایجاد شود. انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی و انقلاب اقتصادی در اروپا وقتی ایجاد شد که نگرش‌ها فرق کرد. اگر توانایی‌هایمان را بررسی نکنیم، چه‌بسا دنبال آرزوهای محال برویم یا گرفتار یأس شویم.

دکتر پورحسن: در بنیادها اگر جامعه‌ای باور نداشته باشد و شالوده‌های هویت در آن سامان نیافته باشند که دارای فکر و اندیشه است می‌تواند در تمام ساحت‌ها نقش داشته باشد. در مقدمه کتاب حکومت اسلامی امام آمده است که غربی‌ها به ما باوراندند که ما نمی‌توانیم و ما هم باورمان شده است که

ما تمدن اسلامی را با صبقه و رنگ اسلامی
عرضه می‌کنیم و دنیا هم این تمدن را به‌نام
تمدن اسلامی می‌شناسد.

نمی‌توانیم. هویت برای همه ملل مسئله مهمی بوده است. مسئله هویت برای آنها مهم است. تمام کشورهای اسلامی اگر بگوییم می‌توانیم، شاید بعضی‌ها به تمسخر بگیرند. تا زمانی که چنین اعتمادبه‌نفسی - چه ملی، چه تمدنی، و چه دینی - ایجاد نشود، دچار مشکل خواهیم شد.

دکتر هرندی: مبدا این هویت تبدیل به غرور شود. یکی از ویژگی‌های تمدن اسلامی این بود، تعصب در گرفتن مسائل نداریم. الان یکی از شیوه‌ها این شده که ما همه چیز داریم ولی در هویت باید از جنبه‌های مثبت و منفی بررسی شود.

دکتر پورحسن: هویت، زمینه‌ساز خودآگاهی است. ما از عقل هم خیلی می‌ترسیم. وقتی از عقل صحبت می‌کنیم طوری حرف می‌زنیم که نقش کم‌رنگ داشته باشد. دعوای بسیار مهمی بر سر عقل داریم؛ یکی از آن دعوای زکریای رازی و ابوحاتم رازی در ابتدای سده چهارم هجری قمری است. رویکرد انتقادی و حجم تئوری‌ها سبب می‌شود که ما دارای پارادایم شویم تا بتوانیم به نوآوری‌ها دست پیدا کنیم.

* * *